

بیت‌الله الاعظم مذکور در «تذکره‌الوفاء»

فؤاد صدیق

مقدمه

تذکره‌الوفاء شرح احوال بعضی از نفوس ثابته راسخه زکیه خالصه و خادمین برازنده عصر رسولی میباید که از کلک مطهر ملهم مرکز میثاق الهی و همچنین از فم مبارک صادر گردیده است و در خلال شرح زندگانی و خصوصیات معنوی این افراد نام ممالک و شهرها و قصبات و مکان‌های بسیاری برده شده و یا به آنها اشاره شده است. در رأس این اماکن بیت الله و یا بیت الله الاعظم بغداد قرار گرفته که یکی از سه مقام مقدس برای زیارت اهل بهاء در نظر گرفته شده. تاریخچه مختصری از این بیت مقدس که شامل نحوه ابتیاع و تملک، خصوصیاتش و نصوصی از جمال قدم در باره این مکان پر انوار و شرافتش و پیشگوئی‌هایی که برای این مطاف اهل بهاء در آثار مبارکه وارد شده ارائه خواهد گردید.

بیوت مسکونی جمال قدم در بغداد

جمال قدم در نوزدهم ماه فروردین مطابق ۸ اپریل ۱۸۵۳ میلادی و ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۶۹ هجری قمری وارد بغداد شدند و در قسمت جنوبی شهر نزول اجلال فرمودند و به فاصله چند روز به کاظمین که در حال حاضر ناحیه از بغداد است ولی در آن زمان در حدود ۱۰ کیلومتر از بغداد فاصله داشت اقامت گزیدند. ولی میرزا ابراهیم تبریزی کارپرداز ایران در کنسولگری بغداد به حضور مبارک مشرف و در کمال ادب معروض داشت که کاظمین محل مناسبی برای سکونت نیست زیرا کاظمین محل تردد شیعیان ایران است که برای زیارت به آن محل مسافرت میکنند و در میان آنان افراد متعصب زیاد دیده میشود. پیشنهاد میرزا ابراهیم به عز قبول جمال ابهی شرافت یافت و آن حضرت در حدود اواسط اردیبهشت مطابق با اواخر ماه رجب با عائله مبارکه به بغداد کهنه در محله کرخه بغداد و در منزل حاجی علی مدد تغییر محل سکونت دادند.^۱ بنابر این مدت اقامتشان در کاظمین بسیار مختصر و در حدود یک ماه بود. بعد از گذشت مدتی، بواسطه تنگی این منزل که برای عائله مبارک مناسب نبود، محل اقامت به منزل سلیمان غنّام تغییر کرد. دقیقاً معلوم نیست در چه زمانی نقل مکان به منزلی که بنام سلیمان غنّام مشهور بود و در محله شیخ بشّار در ناحیه کرخه بغداد و متعلق به خانواده جواهری بود صورت گرفته.^۲ هجرت به کردستان در تاریخ ۱۰ اپریل ۱۸۵۴ مطابق ۱۲ رجب سال ۱۲۷۰ هجری قمری اتفاق افتاد، و اکثر مورخین تغییر منزل را در زمان غیاب جمال قدم و در هنگام هجرت به کردستان نوشته‌اند.^۳ در این منزل وقایع مهمی صورت گرفته و

جمال قدم مدتی طولانی در آن اقامت داشته اند. این بیت سال‌ها بعد بنام بیت‌الله الاعظم نامیده شده و محل زیارت اهل بهاء قرار گرفت.

تملک بیت مبارک

شرح تملک این بیت را حضرت عبدالبهاء در تذکره‌الوفاء در ضمن شرح حال محمد وکیل بیان فرموده اند که خلاصه اش از این قرار است که مالک اصلی منزل یکی از ثروتمندان معتبر ایرانی ساکن بغداد بنام میرزا هادی جواهری بوده که منجذب به جمال قدم گشته و در حلقه ارادتمندان آن حضرت درآمده بود و پسرش میرزا موسی جواهری ملقب به "حرف بقا" از مؤمنین مخلصین بود. پس از وفات میرزا هادی بواسطه دخالت دیگر افراد ذی نفع اختلاف شدیدی بین وارثان حاصل می‌شود تا آنکه بالاخره وراثت عرض حال خود را به حضور مبارک حضرت بهاء‌الله تقدیم نمودند و تقاضای حل و فصل امور کردند. ولی جمال قدم بالکل از این امر امتناع فرمودند و بعد از الحاح و استغاثه آنان، جمال قدم حضرت عبدالبهاء را مأمور فرمودند که به امور آنها رسیدگی بفرمایند و فقط یک روز به آن اختصاص دهند و ما حصل آن رضایت تمام ورثه از تقسیم ارثیه بوده و آنها در مقابل این حسن نیت و عمل که بدون نظر به هیچ پاداشی صورت گرفته بود، یک سوم از مال موروثه را بآن حضرت تقدیم می‌کنند که البته مورد قبول واقع نمیشود و پس از اصرار و الحاح شدید آن اموال را قبول کرده و آن را به میرزا موسی جواهری هبه کردند و بیت مبارک را بقیمت عادلانه اکتیاع فرمودند. ولی بعد از رحلت میرزا موسی، وارثینش ادعای غبن نمودند و حضرت بهاء‌الله فرمودند آنها را راضی کنند و این عمل چند مرتبه در زمان حضرت بهاء‌الله و بعد در دوره مرکز میثاق تکرار شد و در هر مرتبه امر فرمودند با پرداخت مبلغی رضایت آنها را فراهم سازند و در واقع قیمت این خانه در سه نوبت پرداخت شد.^۵

در این بیت جمال قدم بیشتر از تمام منازل دیگر در عراق اقامت فرمودند و این بیت ناظر وقایعی بس مهم در زمان اقامت جمال قدم در عراق بوده است. در این بیت بسیاری از الواح مبارکه نازل شده است و افراد بسیاری به حضور مبارک رسیده اند که از جمله: از شاهزادگان شجاع الدوله و سیف الدوله و زین العابدین خان فخرالدوله؛ از کمترین بابیه: اسدالله دیان، نبیل زرنندی و فاضل قانتی، اسم الله الاصدق، سید حسین روضه خوان، سید اسمعیل زواره ای ذبیح که خود را فدا نمود؛ از منسوبین سدره مبارکه: خال اکبر و فرزندانش، از علمای معروفین هم از شیعی و هم سنی؛ از امرای عراق و غیرهم همه در این بیت به حضور مبارک رسیدند و از خوان نعمت روحانی آن حضرت بهره بردند. این منزل واقعه مشهور حمله کردها را بخاطر دارد که به دستور جمال قدم با دعوت ناگهانی آنها بداخل منزل و پذیرائی آنها باعث تقلبیشان میشود و خصومتشان به محبت تبدیل میشود. از همین بیت است که جمال قدم برای همیشه با مکانی که مدتها موطی اقدامشان بوده وداع فرموده و با

تاج جدید، و در حالی که جمع بسیاری در بیرونی و در خارج بیت جمع شده بودند، آن محل را برای رفتن به باغ نجیبیه و سفر به اسلامبول ترک فرمودند.

عنايات موفوره جمال قدم در باره بغداد از خلال ابیات ذیل از مثنوی مبارک که قسمتی از آن در اسلامبول نازل شده بچشم می‌خورد و با احتمال قوی در این ابیات جمال قدم بیت الله الاعظم را نیز منظور نظر داشته اند، قوله الاعز:

گر بود پیکي رود سوی عراق شرح گوید درد هجران و فراق
کز فراقت جان مشتاقان بسوخت تیر هجرت سینه شاهان بدوخت

مستحفظین بیت مبارک بعد از ترک عراق

بعد از تبعید جمال قدم به اسلامبول و ادرنه، تعدادی از مؤمنین و عائله مبارکه در این بیت ساکن بودند، از جمله میرزا مهدی کاشانی و خواهرش (گوهر خانم حرم کاشی جمال قدم) و سید مهدی دهجی و آقا میرزا جواد و منیر کاشانی. بعضی از مؤمنین مانند عبدالرسول قمی به خدمت بیت و سقایه مشغول بودند - در اواخر ایام اقامت جمال قدم در ادرنه حرم مبارک و برادرش و تعدادی از مؤمنین مهاجرین که از ایران به عراق مهاجرت کرده بودند که در رأس آنها جناب زین المقربین قرار داشت دستگیر شده و به موصل باسارت فرستاده شدند.^۶ آقا بزرگ نیشابوری و یا جناب بدیع در طریق سفرش بسوی عکا مدت بسیار کمی در بغداد اقامت داشت و او نیز به خدمت و سقایه بیت مبارک مشغول بوده. از وقایع این دوران در مورد بیت مبارک یعنی قبل از تبعید جمال قدم به عکا، قتل فجیع عبدالرسول قمی است که باعث حزن شدید جمال قدم گردید. آقا عبدالرسول بعد از هفت سال از زندان طهران مستخلص و ببغداد رفته به سقائی بیت مبارک پرداخت و مدت پنج سال باین خدمت مشغول بود تا موقعی که با مشگ آب بطرف بیت مبارک میامد ناگهان دو نفر باو نزدیک شده زخمهای منکر زدند و به شهادت رسید. حضرت ولی امرالله میفرمایند:^۷ «جناب آقا عبدالرسول قمی را که بخدمت سقایت بیت اعظم مفتخر بود در حینی که با مشگ هنگام طلوع صبح از شط برای بیت مبارک آب حمل مینمود شکم بدریدند.» جمال قدم در باره او و خدمتی که او به بیت مبارک میکرد و شرح نثار جانش را در الواح متعدد ذکر فرموده اند. در این مقال یک نص درج میگردد. جمال قدم در لوحی می فرمایند قوله الاعز:^۸ «یا قلمي الاعلي اذكر عبدي الرسول الذي استشهد في الزورا انه هو الذي فوض اليه سقاية بيتي الحرام بعد العبد الحاضر لدي عرش الله المهيم القیوم انه خرج في الاشراف ليسقي بيت الله في يوم الميثاق اذن قتله المشركون بظلم ناحت به الاشياء.» مضمون بیانات مبارکه از این قرار است: ای قلم اعلی بنده من رسول را بیاد آور که در بغداد به شهادت رسید و او کسیست که آبیاری بیت مورد احترام من بعد از عبد (آقا جان خادم الله) که در نزد عرش مهیم قیوم حاضر است در يوم ميثاق باو واگذر شده بود او را مشرکین ستمگرانه بقتل رساندند که بواسطه اش اشیاء به ناله در آمدند.

"بیت الله" در ادوار گذشته و در این دور اعظم

در دیانت اسلام کعبه معظمه در مرحله اول بیت الله نامیده شده که محل حجّ مسلمین می‌باشد و هر سال میلیونها نفر برای زیارتش به مکه میروند. فرهنگ و ادب فارسی و اشعار شعرایش مشحون از عواطف حاجیان و عشق و شوق و وله آنها برای زیارت خانه خدا است که هر رنج و تعبی را برای سفر باین محل مقدس تحمل کرده اند. برای مثال دو بیت ذکر میشود. خواجهی کرمانی گوید:

حاجی از کعبه کجا روی بتابد خواجه
گر همه بادیه بر خار مگیلان گذرد.
سعدی گوید:

جمال کعبه چنان می‌دواندم به نشاط
که خارهای مگیلان حریر می‌آید.

در دیانت اسلام مساجد در مرحله دوم به نام بیت الله تسمیه گردیده اند. این تسمیه در آثار مبارکه نیز منعکس شده است. جمال قدم در لوحی در مورد رفتن به مسجد سلطان سلیم در اردنه برای مباحله با یحیی ازل میفرماید قوله الاعز: ^{۱۰} «انا نذهب الي بيت الله الذي بناه احد من الملوك وسمي بالسليم و اتوقف هناك الي ان تغرب الشمس في...» مضمون بیان مبارک از این قرار است: ما به بیت خداوند رفتیم که آن را یکی از ملوک با اسم سلیم ساخته بود و در آنجا تا غروب آفتاب توقف کردیم. در این نصّ واضح است که جمال قدم مسجد سلطان سلیم را بیت الله خوانده اند.

البته عرفا کعبه حقیقی را دل عاشقان و روی جانان دانسته اند و آن محلی است که باید زیارتش رفت زیرا خداوند در این محل اقامت دارد - سلمان ساوجی گوید:

حاجیان روی صفا در کعبه جان کرده‌اند
عاشقان عزم طواف کوی جانان کرده‌اند

در همین مورد جمال قدم در مثنوی مبارک می‌فرماید: قوله الاعز: ^{۱۳}

چون ز حبّش بیت او معمور شد	بیت او از سنگ و گل نبود بدان
چونکه قلبت پاک شد از نور او	چونکه بیت الله عاشق شد تمام
باز عشق آمد حجاب عقل سوخت	چونکه غیرش نیست در بیت ای پسر
او به بیت و بیت او مستور شد	بیت او جز دل نباشد ای جوان
شد مقامش چون که آمد طور او	جلوه معشوق آمد بر دوام
خرمن عرفان و علم و فضل سوخت	جمله حکم او بدان تو سر بسر

در این امر اعظم، در مرحله اول "بیت الله" نفس مظهر حق است. اما در این دور اعظم، در مرحله اول، نفس مبارک حضرت رب اعلی و جمال قدم بیت الله و بیت الله الحرام می‌باشند. در این مورد چند نص ذکر میشود. حضرت رب اعلی در توقیع خطاب به محمد شاه می‌فرماید قوله الاعز: ^{۱۴} «و قسم بحق که امروز منم بیت الله واقعی» و همچنین جمال قدم می‌فرماید قوله الاعز: ^{۱۶} «... قد نسبة الله الی نفسه تشریفا له مثل الکعبه یقال له بیت الله و انه ذات الله الظاهر فی ملکوت الامرو

«الخلق...» همچنین جمال قدم در لوح نصیر می فرماید قوله الاعز: ۱۷ «ای عباد خود را از اشراق این شمس لائح ممنوع مسازید و از حرم خلد ربّانی خود را محروم مدارید. اینست حرم الهی در ما بین شما و این است بیت رحمانی که ما بین اهل عالم در هیكل انسانی حرکت مینماید و مشی میفرماید.» و همچنین جمال قدم می فرماید قوله الاعز: ۱۸ «... طوبی لبصیر فاز بایام الله و لقاصد قصد بیت الله الحرام ، قل تالله قد اتي الوعد و الموعد يدعوکم الي اعلي المقام ، ایاکم ان تمنعکم شئونات الوری عن مالک العرش و الثری ...» و همچنین جمال قدم می فرماید قوله الاعز: ۱۹ «... أن لا تَحْرُمُوا أَنْفُسَكُمْ عَنْ بَيْتِ الْحَرَامِ وَ لَا تَخْتَلِفُوا فِي أَمْرِ اللَّهِ وَ لَا تَدْعُوا صَحَابَةَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ...»

در این امر اعظم، در مرحله دوم "بیت الله" بیت امر اوست: در این دور اعظم، بیت الله در مرحله دوم "بیت امر" اوست که در این بیت و در ظلّش ساکنین کره زمین رفاه و آسایش حاصل می کنند. جمال قدم در لوحی می فرماید قوله الاعز: ۲۰ «... لم یزل کان فردا واحداو لا یزال یكون بمثل ما قد کان قد بنی بمشیتة النافذة بیت امره علی اس البیان و اسطقس التبیان و خلق له حفاظا و حراسا لیحفظوه عن کل خائن غافل و متکلم جاهل...»

در مرحله سوم "بیت الله" بیت مسکونی مظهر حق است: در مرحله سوم "بیت الله" همان محل سکونت مظهر حق است که بواسطه انتساب باو صاحب کرامت است، خصوصاً "بیت الله الاعظم" که همان بیت مبارک بغداد است و از شرافت و عنایت و اکرام خاصی برخوردار می باشد. برای زیارت نصوص مبارکه و القاب و عنایات بیت الله الاعظم به قسمت تحت عنوان "شرافت و منقبت بیت الله الاعظم" رجوع شود.

در مرحله چهارم "بیت های اولیای او" از شرافت برخوردارند: در مرحله چهارم بیت اولیاء الله از شرافت و منقبت برخوردارند همانطوریکه در دور اسلام مساجد در مرتبه دوم شرف و منقبت قرار داشتند. و این بواسطه انتساب و ایمان به مظهر ظهور است. در این مورد جمال قدم می فرماید قوله الاعز: ۲۲ «... لعمری و امری هر بیتیکه در آن اولیای الهی وارد میشوند و ندای ایشان در ذکر و ثنای الهی مرتفع ملانکه مقربین و ارواح مخلصین کل طائف آن بیت، و اگر بابصیر حقیقی از برای بعضی باز شود مشاهده مینمایند که ملا علی طائف و باین کلمه ناطق طوبی لك یا بیت بماجعلك الله مهبط اولیائه و مقر اصفیائه و مقام امنائه...»

بیت الله الاعظم محل زیارت و حجّ میشود

جمال قدم در اواخر سال اول اقامت در ادرنه دو لوح مفصل نازل فرمودند^{۲۳} که از اهمیت بسیار خاص بر خوردار می باشند. این دو لوح عبارتند از لوح حجّ بیت الله

الاکرم در شیراز و دیگر لوح حجّ بیت‌الله الاعظم در بغداد - در این مقال فقط در باره لوح حجّ بیت‌الله الاعظم مطالبی ذکر خواهد شد. در زمان نزول این لوح نبیل اعظم در ایران به سیر و سفر و اشاعه امر جدید مشغول بود و در اردستان لوح حجّ بغداد بدستش رسید و مأمور به زیارت بیت‌الله الاعظم گردید. نبیل بدون وقفه بانجام مأموریت خطیری که به عهده اش محول شده بود اقدام کرد.^{۲۵} نبیل اعظم بحقیقت تنها فردی است که تمام مراسم حجّ را بنحوی که در این لوح مبارك منصوص شده بجای آورده است. در این مورد حضرت ولی امرالله می فرماید قوله الاعزّ:^{۲۶} «و نیز در همین ایام بود که جمال اقدس ابهی او را مأمور فرمودند که بطواف و زیارت بیت مبارک حضرت باب در شیراز و بیت اعظم در بغداد عزیمت و از قبیل حضرتش لوحین حجّ را که در همان احیان از قلم اعلی نازل شده بود تلاوت و آداب و مناسک مخصوصه را چنان که در الواح مذکوره تنصیص شده اجرا نماید و این رسالت و مأموریت بمنزله مقدمه ای جهت تنفیذ یکی از فرائض مقدسه این دور اعظم بود که بعد ها دستور العمل آن در کتاب مستطاب اقدس از سماء مشیت مالک قدم صادر...»

در زمانی که تعداد مومنین بامر مبارک جدید بسیار قلیل و امر میرم الهی از داخل مورد حمله بابیان متحجر و از خارج مورد حمله علمای مغرور و متعصب و دو حکومت ایران و امپراطوری عثمانی بود، نزول حکم حجّ بیش از حدّ مهم بنظر میرسد و باید قدری در آن تدقیق کرد. در اواخر سال ۱۸۶۴ و اوائل سال ۱۸۶۵ میلادی یعنی کمتر از دو سال از اعلان امر جدید، هنوز اشاره ای به احکام دیانت جدید نشده بود - احکام دیانت جدید در حدود یک دهه بعد در کتاب اقدس در عکا نازل شد و مصرّح گردید. بنابر این لازمست قدری تأمل کرد و حکمت نزول این لوح و حکم حجّ بیت بغداد را در این موقعیت از توسعه هدایت الهی دریافت. اگر خوب دقت کنیم متوجه میشویم که اعلان مرکزیت بیت‌الله الاعظم جهت حجّ، سه هدف اساسی امر نوپای الهی را ایفا می‌نماید:

۱. اعلان جدائی و انفصال دیانت بهائی و جدائیش از دیانت بیان و در واقع نسخ دیانت بیان.

۲. اعلان استقلال امر جدید و جدائیش از دیانت اسلام زیرا بیش از هزار سال مگه و کعبه محل حجّ مسلمانان بوده است و اینک بیت بغداد جایگزینش میشود و بیت‌الله لقب میگردد.

۳. اعلان این حقیقت که دیانت بهائی دیانتی است جدید با احکام جدید و روش جدید. همان طوری که اجتماع یاران در بدشت برای دیانت حضرت باب اعلان استقلالش بود، شاید بتوان مأموریت نبیل اعظم برای حجّ و انجام مراسم حجّ را از لحاظ تاریخی بهمین عنوان تلقی نمود.

در حدود چهار سال بعد از نزول لوح حجّ و هنوز قبل از نزول کتاب اقدس یکی دیگر از مؤمنین ثابتین عراق بنام شیخ محمد دمرچی (که شرح حالش در کتاب محاضرات^{۲۷} قید شده است و عکسی از او در یکی از مجلدات عالم بهائی موجود است - به یادداشت شماره ۵۳ رجوع شود.) در قشله عسکریه با شرائطی بس شگفت انگیز به حضور جمال اقدس ابهی رسید و جمال ابهی لوح مفصلی باعزازش نازل فرمودند. او در الواح متعدده مورد عنایات جمال قدم قرار گرفته.^{۲۸} پس از مشرف شدن به حضور مبارک، مأمور به زیارت "بیت الله الاعظم" در بغداد شد و باو وعده نصرت و فضل نمودند. در یکی از الواح مبارکه در باره او می فرمایند، قوله الاعز: «لَا تَحْزَنَنَّ مِنَ الشَّدَائِدِ إِنَّهُ يَأْتِيكَ بِمَلَكُوتِ الرَّخَاءِ إِنَّهُ لَهُوَ الْمُفْتَدِرُ الْقَدِيرُ»^{۲۹} که اشارت به وقایع زندگانش دارد و این وعده بانجام رسید و شدائد و مشکلاتش به رخا تبدیل شد. شیخ محمد دمرچی عازم بغداد شد و بیت الله الاعظم را با آداب مخصوص که امر فرموده بودند مطابق جزئیاتی که در لوح نازل شده و در حالی که مورد سنگباران شیعیان و ارادل و اوباش بود مراسم زیارت را تماماً بانجام رسانید. در این لوح مبارک می فرمایند: قوله الاعز:^{۳۰}

«يَا مُحَمَّدُ إِذَا حَرَجْتَ مِنْ سَاحَةِ الْعَرْشِ أَنْ أَقْصِدَ زِيَارَةَ الْبَيْتِ مِنْ قَبْلِ رَيْكَ وَ إِذَا حَضَرْتَ تِلْقَاءَ الْبَابِ قِفْ وَ قُلْ يَا بَيْتَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ أَيْنَ جَمَالُ الْقَدَمِ الَّذِي بِهِ جَعَلَكَ اللَّهُ قِبْلَةَ الْأُمَّمِ» که مضمون بیان مبارک از این قرار است: ای محمد هنگامی که از حضور مبارک خارج شدی قصد زیارت بیت را از جانب پروردگارت بکن و هنگامیکه در جلوی در بیت رسیدی بایست و بگو ای بیت الله الاعظم جمال قدم که ترا قبله امم قرار داد کجاست و در چه حالی است؟

چند سال بعد، جمال قدم در کتاب اقدس حکم زیارت و حجّ بیت را برای آنان که استطاعت مالی دارند نازل فرمودند و در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند قوله الاعز:^{۳۵} «حَكَمَ اللَّهُ لِمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ حَجَّ الْبَيْتِ دُونَ النَّسَاءِ...» این حکم مربوط به زیارت دو بیت مبارک است، یکی بیت حضرت نقطه اولی در شیراز و دیگری بیت جمال اقدس ابهی (بیت الله الاعظم) در بغداد. جمال مبارک تصریح فرموده اند که حجّ یکی از دو بیت برای اجرای این حکم کافی است.

لوح حجّ بغداد

لوح مبارک حجّ بغداد با عنوان "هوالباقی الظاهر" شروع میشود. خلاصه مختصری از لوح حجّ که تماماً عبری است از این قرار است: این لوح برای هر فردی نازل شده که قصد توجه به شطر قدس دارد که در حضور خداوند حاضر شود و ندای الهی را بشنود و به جمالش نظر کند و رائحه الهی را اشتنشاق نماید. چنین شخصی قبل از اینکه وارد بغداد شود باید خداوند را بزبان سرّ و آشکار تکبیر گوید

تا آنکه به دجله برسد و بهترین لباسش را بپوشد و وضو گیرد و در حالیکه دستش را میشود آیه بخصوصی را که نقل شده ذکر کند و بهمین طریق صورتش را بشوید و سپس از پل عبور کند تا آنکه به آخر پل برسد و بسوی بیت مبارک حرکت کند و در اولین قدمش آیه ای که ذکر شده بگوید در این ایه شخص زائر ارواح مقدسین را قسم میدهد که دیده اش را از شگفتیهای انوار قدس جمالش محروم نکند سپس الله ابهی میگوید و شروع به طواف بیت میکند و دور بیت هفت مرتبه طواف میکند و پس از اتمام طواف در بیت را می بوسد و هفتاد مرتبه یستغفرالله میگوید و مناجاتی که ذکر شده تلاوت میکند در این مناجات شخص زائر خداوند را سپاس میگوید که باو اکرام کرده و او را موفق بزیارت این مقام نموده و از خداوند مسئلت می کند کدورت های دنیا را از قلب و وجهش بزداید ؛ سپس شخص زائر تحیت الله ابهی را بر زبان میراند تا آنکه بدر مخصوصی میرسد و مناجات دیگری که ذکر شده تلاوت میکند که کلاً خطاب به بیت است که خداوند آنرا موطئی اقدامش قرار داد و ندایش را از آنجا بلند کرد این مناجات قدری طولانی است ، سپس شخص زائر صورت و پیشانی اش را بر آستانه درگاه میگذارد و مناجات دیگری را که نازل شده تلاوت میکند و در این مناجات طلب استغفار میکند و از خداوند طلب میکند که از گناهانش در گذرد سپس زائر سرش را بلند میکند و مناجات دیگری تلاوت میکند که کلاً طلب غفران و بخشش است سپس وارد بیت میشود و در محلی که ذکر شده می ایستد و مناجاتی را که نازل شده تلاوت میکند و در این مناجات به وحدانیت الهی شهادت میدهد و همچنین ذکر میکند که حضرت نقطه اولی عبد او و بهاء و عظمت اوست و ذکر میکند که من یظهره الله حق است و در آن شک و ریبی نیست و برای هر شخصی که زمانش را درک کند خوش آیند میگوید و سپس آیاتی در خصوص شرافت این بیت تلاوت میکند سپس شخص زائر به قلبش به بیت توجه میکند که در آن رائحه الهی را استشمام کند و ندایش را بشنود و از خداوند میخواهد که گناهانش را ببخشد که بدون گناه مانند زمانی بشود که متولد شده و اگر رائحه الهی را استشمام نکند این عمل را باید در همان روز و یا روز دیگر تکرار کند تا ندای الهی را بشنود.

شرافت و منقبت بیت الله الاعظم

در آثار مبارکه القاب و عنایات بی حدّ در مورد بیت الله الاعظم بغداد بچشم می خورد. شاید این عنایات موفوره باین جهت باشد که امر بدیع از این محل آغاز شد و گرچه در آن زمان هنوز امر الهی در خفا بود ولی از این محل صیئت جهانگیر گردید. ذیلا تعدادی از القابی را که در آثار مبارکه جمال قدم برای این بیت کریم بکار برده اند درج میگردد: «بیت الحرام» حرام بمعنی محترم است؛ «بیت الذی یطوفن فی حولها سکان ملاء الاعلی و من دونها ارواح المقربین من الاصفیاء»؛

«مقام الذی لا یری به الا شئون عز سلطان احدیتک و لا یشهد فیہ الا بوارق انوار شمس جمالک»؛ مقامی که در آن: «ظهر برهانه»، «طلع آثاره»، «اشرق جماله»، «نزلت آیاته»، «لاح امره»، «رفع اسمه»، «شاع ذکراه»، «کملت قدرته»، «علت سلطنه»؛ مقامی که: «اصطفاها علی کل بقاع الارض» و «میزان الموحدین و منتهی وطن العارفین» و «قبله الامم» و «آیه ذکره لمن فی السموات و الارضین» و «موطى قدمیه» و «عرشا الاستقرار هیکل القدم» و «مصباح الفلاح بین الارض و السماء» و «مطلع عنایة ربک المختار» و «منظر الاکبر» و «مقر اطهر»؛ «مظهر الاسماء و الصفات».

حضرت ولی امر الله در مورد القاب بیت الله الاعظم می فرماید قوله الاعز: ^{۳۶}

«.... "بیت الله الاعظم"، "قبله الامم" و "عرشاً لاستقرار هیکل القدم" و "مصباح الفلاح بین الارض و السماء" و "آیه ذکره لمن فی السموات و الارضین" که بشرف "موطىء" اقدام مبارک مشرف و بطراز "منه استضاء من فی الاکوان" مطرز و بخلعت " و يجعله علماً فی الملك بحيث يطوف حوله ملاً عارفون" مخلع در بین جدار آن مدینه بنحو ابد مؤسس و مقرر گردید و این "مقر اطهر" و "منظر اکبر" ...»

در عالم انفس همان طوری که قبلاً ذکر شد "بیت الله" نفس مظاهر مقدسه الهیه هستند. ولی در آفاق "بیت الله" بیوتی هستند که به آن مظاهر مقدسه نسبتی داشته و یا بیوتی که مظهر الهی در آن اقامت کرده اند. شرف این بیوت بواسطه این نسبت است و گر نه این بیوت جز مشتی خاک و سیمان و اجر نیستند و شرافت و منقبت را از مظاهر مقدسه و باخاطر مظاهر مقدسه کسب کرده اند.

در این مورد حضرت بهاء الله در لوح سلمان می فرماید قوله الاعز: ^{۳۷}

«ای سلمان، عزت کل اسما و رفعت آن و عظمت و اشتها آن بنسبتها الی الله بوده مثلاً ملاحظه نما در بیوتی که بین ملل مختلفه مرتفع شده و جمیع آن بیوت را طائفند و از اماکن بعیده زیارت آن بیوت میروند و این واضح است که احترام این بیوت بعلت آن بوده که جمال قدم جل جلاله بخود نسبت داده با آنکه کل عارفند که جمال قدم محتاج به بیوتی نبوده و نخواهد بود و نسبت کل اماکن بذات مقدسش علی حد سواء بوده بلکه این بیوت و امثال آن را سبب فوز و فلاح عباد خود قرار فرموده تا جمیع ناس را از بدایع فضل خود محروم نفرماید فَطُوبَى لِمَنْ اتَّبَعَ أَمْرَ اللَّهِ وَ عَمَلَ بِمَا أَمَرَ مِنْ لَدُنْهِ وَ كَانَ مِنَ الْفَائِزِينَ و این بیوت و طائفین آن عند الله معززند مادامی که این نسبت منقطع نشده و بعد از انقطاع نسبت اگر نفسی طائف شود طائف نفس خود بوده و از اهل نار عند الله محسوب ...»

همچنین حضرت بهاء الله در لوح حج بغداد می فرماید قوله الاعز: ^{۳۸}

«الهی هذا مقامُ الَّذی رَفَعْتَ فِيهِ صَوْتَكَ وَ ظَهَرَ بِزُهَانِكَ وَ طَلَعْتَ اَنْتَارَكَ
وَ اَشْرَقَ جَمَالَكَ وَ نَزَلْتَ اَيَاتَكَ وَ لَاحَ اَمْرَكَ وَ رَفَعَ اسْمَكَ وَ شَاعَ ذِكْرَكَ
وَ كَمَلْتَ قُدْرَتَكَ وَ عَلَتْ سُلْطَنَتَكَ عَلٰی مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضَيْنِ ...
فَطُوبِي لَكَ يَا بَيْتُ بِمَا جَعَلَكَ اللهُ مُوطاً قَدَمَيْهِ فَطُوبِي لَكَ يَا بَيْتُ بِمَا وَقَعَ
عَلَيْكَ مِنْ لَحْظَاتِ عَزِّ كِبَرِيَّائِهِ فَطُوبِي لَكَ يَا بَيْتُ بِمَا اخْتَارَكَ اللهُ وَ جَعَلَكَ
مَحَلًّا لِنَفْسِهِ وَ مَقَرًّا لِسُلْطَنَتِهِ ... فَطُوبِي لَكَ نَمَّ طُوبِي لَكَ بِمَا جَعَلَكَ اللهُ
مِيزَانَ الْمُؤَجِّدِينَ وَ مُنْتَهَى وَطَنِ الْعَارِفِينَ وَ جَعَلَكَ مُقَدَّساً عَنِ عِرْفَانِ
الْمُبْغِضِينَ وَ الْمُشْرِكِينَ بِحَيْثُ لَنْ يَدْخُلَ فِيكَ اِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ اَمْتَحَنَ اللهُ قَلْبَهُ
لِاِيْمَانِهِ ...» مضمون بیانات مبارک فوق چنین است: خداوند این
مقامی است که در آن صوت تو بلند شد و برهان تو آشکار شد و آثار تو
پدیدار گردید و زیبایی تو جلوه کرد و آیات تو نازل شد و امر تو پدیدار
گردید و اسمت والا شد و ذکرت منتشر شد و توانائی تو باکمال رسید و
سلطنت تو بر اهل آسمان و زمین بالا مرتبه شد خوشا بحال تو ای
بیت بواسطه آنکه خداوند تو را محل اقدام خود قرار داد، خوشا بحال تو
ای بیت بواسطه آنکه نظرات عین رحمانی بر تو افتاد پس خوشا بحال
تو ای بیت که خداوند تو را پسندید و تو را محلی برای نفس خودش و
مقری برای سلطنت خودش قرار داد ... پس خوشا بحال تو و سپس
خوشا بحال تو برای آنکه خداوند تو را میزان یکتاپرستان و دورترین
وطن عارفین قرار داد و تو را پاک از شناسائی دشمنان و مشرکین
نمود، بطوری که در تو هیچ کس وارد نمی‌شود مگر مؤمنی که خداوند
قلبش را برای ایمان امتحان کرده باشد.

و همچنین جمال قدم در لوح حج بغداد می فرمایند قوله الاعز: ^{۴۰}

«... فَطُوبِي لَكَ وَ لِمَنْ بَنَاكَ وَ عَمَّرَكَ وَ خَدَمَكَ وَ سَقَى اَوْرَادَكَ وَ
لِمَنْ دَخَلَ فِيكَ وَ لِمَنْ لَاحَظَكَ وَ لِمَنْ وَجَدَ مِنْكَ رَائِحَةَ الْقَمِيصِ عَنْ
يُوسُفِ اللهِ الْعَزِيزِ الْقَدِيرِ ...» مضمون بیان مبارک که خطاب به بیت الله
است به فارسی چنینست: پس خوشا بحال تو و خوشا بحال کسی که ترا
بنا کرد و ترا مرمت کرد و به خدمت پرداخت و گل های سرخ ترا آب
داد و خوشا بحال کسی داخل تو شد و بتو به نظر لطف نگاه کرد و از
تو بوی پیراهن یوسف خداوند عزیز و قدیر به مشامش رسید.

پیشگونی هتک حرمت و خرابی بیت مبارک بغداد

بی حرمتی جهلا و دست درازی آنها به بیت مبارک و هتک حرمت از بیت الله
الاعظم در الواح و آثار مبارکه جمال قدم از قبل پیشگونی شده. اینک به تعدادی از
آنها اشاره می‌کنیم. جمال قدم در لوحی می‌فرمایند قوله الاعز: ^{۴۱}

«یا بَیْتُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ أَيْنَ جَمَالَ الْقَدَمِ الَّذِي بِهِ جَعَلَكَ اللَّهُ قِبْلَةَ الْأُمَّمِ وَ آيَةَ ذِكْرِهِ لِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ. يَا بَيْتَ اللَّهِ أَيَّنَ الْإِيَّامِ الَّتِي كُنْتَ فِيهَا مَوْطِئًا قَدَمَيْهِ وَ أَيَّنَ الْإِيَّامِ الَّتِي ارْتَفَعَتْ مِنْكَ نَعَمَاتُ الرَّحْمَنِ فِي كُلِّ الْأَحْيَانِ وَ أَيَّنَ طِرَازَكَ الَّذِي مِنْهُ اسْتَضَاءَ مَنْ فِي الْأَكْوَانِ. أَيَّنَ الْإِيَّامِ الَّتِي كُنْتَ عَرِشًا لِاسْتِقْرَارِ هَيْكَلِ الْقَدَمِ وَ أَيَّنَ الْإِيَّامِ الَّتِي كُنْتَ مَصْنَبًا لِلْفَلَاحِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ وَ تَتَضَوُّعُ مِنْكَ نَفْحَاتُ السُّبْحَانِ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ. يَا بَيْتَ اللَّهِ أَيَّنَ شَمْسُ الْعِظْمَةِ وَ الْإِقْتِدَارِ الَّتِي كَانَتْ مُشْرِقَةً مِنْ أَفْئِكَ وَ أَيَّنَ مَطْلَعُ عِنَايَةِ رَبِّكَ الْمُخْتَارِ الَّذِي كَانَ مُسْتَوِيًّا عَلَيْكَ. مَالِي يَا عَرِشَ اللَّهِ أَرَى تَغْيِيرَ حَالِكَ وَ اضْطِرْبَتِ ارْكَائِكَ وَ غُلُقَ بَابِكَ عَلَى وَجْهِ مَنْ ارَادَكَ وَ مَالِي أَرَاكَ الْخَرَابِ. أَسْمِعْتَ مَحْبُوبَ الْعَالَمِينَ تَحْتَ سُيُوفِ الْاِخْرَابِ. طُوبَى لَكَ وَ لَوْفَائِكَ بِمَا أَقْتَدَيْتَ بِمَوْلِيكَ فِي أَحْزَانِهِ وَ بِلَايَاهُ» مضمون به مفهوم عبارات فوق به فارسی از این قرار است: ای بیت‌الله الاعظم جمال قدم کجاست؟ کسی که بواسطه او ترا قبله امم و نشانه ذکرش برای آنهایی قرار داد که در آسمان‌ها و زمین هستند. ای بیت‌الله آن ایامی که تو تحت اقدام او بودی کجا رفت؟ و کجاست آن ایامی که از تو نعمات رحمن در کل احیان بلند بود؟ زیبایی تو که از آن اهل آفرینش طلب نور کردند کجاست؟ زمانی که تو عرشی برای استقرار هیکل قدم بودی به کجا انجامید؟ ایامی که تو چراغ‌ستگاری بین زمین و آسمان بودی و از تو نسیم‌های خداوندی در هر صبح و شب منتشر میشد چه شد؟ ای بیت! خورشید عظمت و اقتدار که از افقت مشرق بود کجا رفت و مطلع عنایت پروردگار مختار تو که بر تو پابرجا بود کجاست؟ ای عرش خداوند! من حال ترا متغیر می‌بینم و ارکانت را پریشان می‌بینم و ابوابت را بر صورت افرادی که قصد تو کرده اند بسته می‌بینم و من ترا خراب می‌بینم. آیا این بواسطه اینست که تو شنیدی که محبوب عالمیان در زیرشمشیر مردمان قرار گرفته. خوشا بحال تو و وفای تو برای اینکه به مولای خودت در غم و بلایایش اقتدا کردی.

همچنین جمال قدم در این مورد میفرماید قوله الاعز: ۴۲

« يَا طَيْبِيبُ نَسَمِعُ حَنِينَ الْبَيْتِ إِنَّهُ يَقُولُ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ يَا الهی قَابِلِ عَثْمٍ مَنْ يَأْخُذْنِي وَ يُخْلِصْنِي وَ يُعَمِّرْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى ذَلِكَ وَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ. إِلَى مَتَى أَكُونُ فِي تَصَرُّفِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِكَ وَ بِآيَاتِكَ الْكُبْرَى أَيْ رَبِّ خَلِّصْنِي مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ مَا سَمِعُوا نِدَائَكَ وَ مَا آجَابُوكَ قَدْ أَخَذْتَهُمُ الْاَوْهَامُ عَلَى شَأْنِ أَعْرَضُوا عَنْكَ وَ اعْتَرَضُوا عَلَيْكَ بَعْدَ إِذْ جِنْتَهُمْ مِنْ مَطْلَعِ الْفَضْلِ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ. اِذَاكَ نَفْسِي فِي أَنْجَا يَأْفَتُ مِشْدُكَ عَلَى الْعِجَالِهِ أَجَارَهُ هَمْ مِئْمُودٌ مَحْبُوبٌ بُوْدُ

الامرُ بِبَيْدِ اللَّهِ إِنَّهُ لَهُوَ الْحَاكِمُ عَلَى مَا يُرِيدُ...» مضمون بیانات مبارک به فارسی از این قرار است: ای طیب ما ناله بیت (بیت الله الاعظم) را می‌شنویم. بیت میگوید ای پروردگار من مرا از دست قوم ستمکار نجات بخش ای خداوند شخصی را برانگیز که مرا از دست آنها رها سازد و مرا تعمیر و آباد نماید. همانا تو توانا بر این امر هستی و تو بزرگوار و توانا هستی. تا چه زمان من در تحت تصرف کسانی باشم که بتو و آیات کبرایت کافر شدند. ای پروردگار من مرا از دست این مشرکین خلاص کن، آنهایی که ندای ترا نشنیدند و ندای ترا اجابت نکردند. آنها را اوهام به نحوی فرو گرفته که از تو اعراض کردند و بعد از اینکه تو به چیرگی آشکار از مطلع فضل بر آنها وارد شدی بر تو اعتراض کردند...»

جمال قدم در مورد بی احترامی به بیت مبارک می‌فرماید قوله الاعز: ۴۳

«يَا بَيْتَ اللَّهِ إِنَّ هَتَاكَ الْمُشْرِكُونَ سَتَرُوا حُرْمَتَكَ لَا تَحْزَنُ قَدْ زَيْنَكَ بِطِرَازِ ذِكْرِهِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَ إِنَّهُ لَا يَهْتَكُ أَبَدًا إِنَّكَ تَكُونُ مَنْظَرًا رَبِّكَ فِي كُلِّ الْأَحْيَانِ وَ يَسْمَعُ نِدَاءً مَنْ يَزُورُكَ وَ يَطُوفُ حَوْلَكَ وَ يَدْعُوهُ بِكَ إِنَّهُ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ...» مضمون بیانات مبارکه از این قرار است: ای بیت الله اگر مشرکین به تو بی حرمتی کردند محزون مشو بتحقیق خداوند ترا به پیرایش ذکرش در بین زمین و آسمان آراسته کرده و او هیچ وقت مورد بی احترامی قرار نمیگیرد. تو مورد نظر پروردگارت در تمام اوقات میباشی و او ندای کسی که ترا زیارت میکند و در اطراف تو طواف می‌کند و او را بتو می‌خواند می‌شنود و او همانا غفور و کریم است.

همچنین جمال قدم در لوحی می‌فرماید قوله الاعز: ۴۵

«وَ اذْكُرْ مَا نَزَلَ فِي أَرْضِ السَّرِّ فِي السَّنَةِ الْأُولَى لِعِبْدِنَا الْمَهْدِيِّ وَ أَخْبَرْنَا بِهِ فِيمَا يَرُدُّ عَلَى الْبَيْتِ مِنْ بَعْدِ لَيْلَا يَحْزَنُهُ مَا وَرَدَ مِنْ قَبْلُ مِنَ الَّذِي اعْتَدَى وَ سَرَقَ عِنْدَ رَبِّكَ عِلْمَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ قُلْنَا وَ قَوْلُنَا الْحَقُّ ثُمَّ اَعْلَمَ بِأَنْ لَيْسَ هَذَا أَوَّلَ وَ هُنَّ نَزَلَتْ عَلَيَّ بَيْتِي وَ قَدْ نَزَلَ مِنْ قَبْلُ بِمَا اِكْتَسَبَتْ أَيْدِي الظَّالِمِينَ وَ سَيُنزَلُ عَلَيْهِ مِنَ الدَّلِيلَةِ مَا تَجْرِي بِهِ الدُّمُوعُ عَنْ كُلِّ بَصِيرٍ بِصِيرٍ كَذَلِكَ أَلْفِينَاكَ بِمَا هُوَ الْمَسْتَوْرُ فِي حُجْبِ الْعَيْبِ وَ مَا اَطَّلَعَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ...» مضمون به مفهوم عبارات فوق از این قرار است: و بیاد آور آنچه در ارض سرّ (ادرنه) در سال اول برای بنده ما مهدی نازل شد و ما به او خبر دادیم بر آنچه بر بیت (بیت الله الاعظم) در آینده وارد خواهد شد برای اینکه او را اعمال فردی که دشمنی کرد و سرقت نمود محزون نکند، در نزد پروردگار تو دانش آسمانها و زمین موجود است. ما گفتیم و گفتار ما صادق است و

بزودی بر او (بیت) خواری بحدی وارد خواهد شد که بواسطه اشک‌های هر شخص صاحب بینشی سرازیر خواهد شد. ما چنین بر قلب تو وارد کردیم آنچه در پرده‌های غیب پوشانده شده بود و به آن هیچ فردی آگاهی ندارد مگر خداوند گرانقدر ستایش شده.

دست‌درازی اعدا به بیت مبارک در زمان حیات حضرت عبدالبهاء

اعدای امرالله که بیت‌الله الاعظم را مانند خاری در چشم خود میدیدند و در زمان حضرت بهاء‌الله دست‌تطاول گشودند ولی موفق نشدند، در زمان مرکز میثاق موقعیت جدید یافتند و راه جفا پویندند ولی این بار نیز موفق نشدند. در این مورد از کلک اطهر حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح احبّای طهران چنین نازل قوله الاعزّ:^{۴۷}

«هو الله ای یاران رحمانی، در بغداد جمیع اهالی بر بیت محترم هجوم دمیدم کردند علماء و ارکان و عوام تا مطاف ملاً اعلی را بانواع دسائس ضبط نمایند چون در دست حجّتی نبود و حجّت بنام شخصی از احبّای و وفات نمود اول ظالمان ادّعا نمودند که صاحب خانه یعنی آن شخص خرنده بی‌وارث فوت شد لهذا این خانه مال دیوانست و در دیوان حکومت بمقتضای دیوان. دیوان یعنی محکمه جعفری حکم بر آن صادر که این خانه بی‌صاحب و محلول است. از حیفا بی‌بغداد تلغرافی شد و بعنایت الهیه اینحکم را فسخ نمودیم و این صرف تأییدات الهی بود و آلا سندی در دست نبود چون علماء و ارکان و اهالی خود را خانب و خاسر دیدند شخصی را حاضر نمودند که این وارث صاحب خانه حاجی محمد حسین اصفهانی است دو باره محکمه حکم بوراثت آن نمود و عموماً شهادت دادند و عبدالبهاء فرید و وحید بی‌ناصر و معین و اصحاب عمائم در نهایت شرارت و ارکان در غایت ظلم و عدوان و جمهور متعصبان مهاجم. ملاحظه فرمائید که کار چقدر مشکل بود در دست سندی نبود با وجود این بتأییدات دلبر آفاق و توفیقات نیر اشراق صبح نصرت دمید و نیر عنایت درخشید جمیع مخذول و منکوب و مأیوس شدند و خطاب بخود نمودم که ای مظلوم یک سواره بر صف عالم بزن و از قضای اتّفاق حکومت جدید در عراق تشکیل شد و مجبور بر دلجوئی اهالی بود عموم فریاد برآوردند که این خانه نیست کعبه بهائیان است و حلّ حرم گمراهان لهذا باید حکومت این بینان را براندازد تا بیناد بهائیان بر باد رود توّجه بملکوت ابهی شد و گفتیم یا ربّ ائی فرید وحید فانتصر حال الحمد لله دست‌تطاول اهل عدوان کوتاه شد و صولت ستمکاران شکست و صیح دولت آن بنیان و ایوان دمید و

ظلمت استیلای ظالمان بنور ظفر و نصرت مظلومان مبدل گشت
 فاشکر الله بما اید احبائه على هذا الامر العظيم و وقّتهم على هذا الخطب
 الجسیم بجمیع احبایالهی تحیت ابدع ابهی تبلیغ نمائید عبدالبهاء عباس»

نیز یوسف میثاق در لوح آقا سید نصر الله باقراف مجدداً به این نکته اشاره میفرماید
 که سند محکمی در دست نبود و معذک دست تطاول دشمنان کوتاه شد: قوله الاعز: ^{۴۸}

«این روزها مباشرت ببیت مبارک در مدینه الله در بغداد نمودیم جمیع
 اهالی بغداد بمخالفت و استکبار قیام نمودند و بقوت تمام و بحکم صادر
 از محاکم حکومت و واسطه پلیس خدام بیت را بیرون نمودند و بیت را
 تصرف کردند نعره عموم بفلک اثر رسید که این خانه مطاف
 بهائیانست تا جان در قالب داریم نمیگذاریم که بدست بهائیان افتد ما نیز
 سند و حجتی در دست نداشتیم جمیع احبای الهی در بغداد گریان و
 دشمنان مسرور و خندان و همه راهها مقطوع و مسدود عبدالبهاء توجه
 بعبه کبریا نمود و بتأیید ملکوت ابهی غاصبین و معاندین خائب و
 خاسر شدند خانه از جنگ ظالمین خلاص شد و بدون حجت شرعی و
 حکم قانونی سلیم خادمان گردید و بنا در نهایت شکوه ساخته میشود و
 این بواسطه حکومت عادلّه حصول نیافت بلکه بوسائط دیگر حصول
 یافت صرف تأیید جمال مبارک بود.»

دست درازی مجدد اعداء به بیت الله الاعظم بعد از صعود مرکز میثاق

همان طوری که از قبل پیشگویی شده بود، بی احترامی به بیت مبارک و دست
 درازی به آن از همان اوائل ایام شروع شد. در سال ۱۹۰۰ میلادی یکی از اهالی
 عراق ادعای مالکیت این بیت را نمود و دعوی او در محاکم صالحه باطل شد. بعد
 از صعود جمال قدم و در اواخر ایام طلعت میثاق، وضع بیت الله الاعظم کم کم رو
 به خرابی گذاشت بعدی که قابل سکنی نبود. وضعیت این حالت بیت الله الاعظم در
 عکس‌هایی که در کتاب عالم بهائی مجلدات ۲ الی ۶ درج شده شاهد این مقال است.
 بعد از اختتام جنگ جهانی اول در بنای این بیت خرابی کلی رخ داده بود در این
 موقع جناب حاج محمود قصابچی از حضور حضرت عبدالبهاء رجا و استدعا نمود
 که آنرا تعمیر کند. جناب میرزا محمد خان پرتوی تبریزی که از مبلغین و خادمین
 امرالله و بحضور مبارک مشرف بود مأمور گشت که در بغداد ساکن شده و بکمک و
 مساعدت جناب قصابچی اقدام به تعمیر اساسی نماید و این خدمت بنحوی که رضای
 آن حضرت بود انجام پذیرفت و ساختمان قدیم بیت از پایه برداشته شد و مجدداً بهمان
 نقشه و اسلوب سابق بطرز متین و محکم از نو بنا گردید و تدریجاً محل توجه و
 زیارت احباء قرار گرفت. ^{۴۹}

عکس هائی که از بیت‌الله الاعظم قبل از تعمیر^{۵۰} و در حال تعمیر^{۵۱} و بعد از تعمیر گرفته شده در کتابهای عالم بهائی موجود است. ارنولد توین‌بی

(Toynbee Arnold) تاریخ‌نویس مشهور انگلیسی قسمتی از کتاب "مروری بر امور بین‌المللی - ۱۹۳۴" (Survey of International Affairs - 1934)^{۵۳} توضیحات مشبعی در خصوص اوضاع امرالله در عراق و وضعیت بیت‌الله الاعظم نوشته است. در این زمان آزادی عقائد و ادیان نیز اعلام گردید و در اساسنامه جدید مملکت عراق گنجانده شد. ولی شیعیان که از زیر سلطه و یوغ دولت سنی مذهب عثمانی رهائی یافته بودند، برای خود آزادی عمل احساس کردند و بر عداوتشان نسبت بامرالله صدچندان افزودند. بغیر از حکومت قیمومت، حکومت محلی نیز تحت نظر ملک فیصل اول که از خاندان هاشمی و فرزندان او بودند اختیاراتی در حد خود داشت. در این زمان هیکل مبارک طلعت میثاق به ملکوت ابهی صعود فرموده و ماه ولایت حضرت ولی امرالله به نورافشانی مشغول بود و در واقع سالهای اول ولایت بود. در چنین زمانی دشمنان دیرینه امر بیت‌الله الاعظم را غصب و تصرف نمودند و جزئیترین دادگاه شرعی بغداد به نفع شیعیان حکم داد و بیت‌الله الاعظم بعنوان موقوفه شرعی شیعی در آمد (تابستان سال ۱۹۲۲ میلادی). این محکمه که نحوه عملکردش مانند نمایشی فکاهی بنظر میرسد مرتکب اشتباهات قضائی بزرگ میشود. در این دوران پر حادثه محافل محلی و ملی خصوصاً محفل ملی امریکا و آحاد افراد ذی نفوذ و همچنین حضرت ولی امرالله بعنوان مرجع عالی امر الهی (خصوصاً به توفیق حضرت ولی امرالله به تاریخ ۲۰ مارچ ۱۹۲۹ خطاب به یاران الهی در غرب رجوع کنید که خلاصه از تصمیمات مراجع عالیه اداری در سطوح مختلفه در آن منعکس شده) عرض‌حال‌های متعددی به حکومت قیمومت انگلستان و جامعه ملل و حکومت عراق تسلیم کردند و در دادگاه‌های بین‌المللی قضاوت تماماً به نفع جامعه بهائی بود و حتی شورای جامعه ملل حقوق بهائیان را بر تملک بیت‌الله الاعظم تثبیت نمود و به حکومت تحت قیمومت انگلستان حکم استردادش را صادر کرد. ولی در انتها حکومت عراق خصوصاً ملک فیصل اول که مسئولیت اجرای این فرامین را بعهده داشت نتوانست از عهده مسئولیت خود برآید، زیرا از اوضاع وخیم مملکت و قدرت شیعیان متعصب با خیر بود و از هیاهو و عربده آنان بیمناک و هیچ عمل مثبتی به انجام نرسانید - با وجودی که او سالها قبل به حضور حضرت عبدالبهاء رسیده بود و با اسم آن حضرت آشنائی داشت و همچنین خانم مارثا روت با تعیین وقت قبلی به حضور این پادشاه رسیده و مسئله غصب غیر عادلانه بیت مبارک بغداد را توسط شیعیان متعصب مطرح کرده بود (به یادداشت شماره ۵۳ رجوع شود). حتی جامعه بهائی تضمین کردند که بهای این ملک را به شیعیان پرداخت کنند مشروط باینکه این ملک در تحت تصرف حکومت بی طرف عراق قرار گیرد و این پیشنهاد هم بدون اثر ماند. در مورد فعالیت‌های خستگی ناپذیر حقوقدان امریکائی مانفورت میلز (Mountfort Mills) را در این

مقال باید نام برد - و همچنین دادخواهی مفصل بهائیان عراق به حضور ملک فیصل - (به یادداشت شماره ۵۳ رجوع شود). تنها نفعی که از این جریان حاصل شد این بود که امرالله در سطح بین‌المللی و ملی در مملکت انگلستان و جامعه ملل و دیگر ممالک بنام دیانتی جدید و دارای روحی جدید و تعالیمی جدید شناخته شد. با تمام این تفصیلات اینگونه فعالیت‌ها تا سال ۱۹۳۴ ادامه پیدا کرد و در این زمان عراق مستقل شد و به عضویت جامعه ملل پذیرفته شد و تقریباً تمام دستگاه‌هایی که به نحوی به نفع جامعه بهائی حکم کرده بودند عوض شدند و دیری نپایید که نائره جنگ جهانی دوم مشتعل شد و دنیا را با آتش کشید و انظار سیاسیون دنیا به آن معطوف شد و این مسئله مهم یعنی تملک بیت‌الله اعظم به بوتۀ فراموشی سپرده شد.

فیصل اول پسر سوم شریف حسین (از خاندان هاشمی حجاز) اولین پادشاه عراق مترقی و بنیانگذار سلسله هاشمی در عراق بود. پس از او، فرزندش غازی به عنوان پادشاه، حکومت عراق را در دست گرفت. سومین و آخرین پادشاه این سلسله در عراق فیصل دوم فرزند ملک غازی بود که با کودتای ۱۹۵۸ میلادی از قدرت برکنار شد. پس از کودتا، او همراه با ولیعهدش و نخست‌وزیر (نوری سعید) همگی به طرز فجیعی اعدام شدند. بعد از این کودتا، در عراق جمهوری اعلام شد که یک نوع حکومت دیکتاتوری و تحت تسلط اعراب سنی‌گرا و حزب بعثی بود. در دوران این حکومت، وضعیت جامعه بهائی عراق و تملکات امری کم‌کم رو به وخامت گذاشت و بالاخره در زمان حکومت صدام حسین تشکیلات بهائی غیر قانونی شناخته شد و تملکات امری همه توقیف شدند. بعد از وقایع اخیر عراق و حکومت جدید، جامعه بهائی عراق در سال ۲۰۰۴ میلادی آزادی یافت و شروع به فعالیت نمود. محفل ملی عراق مجدداً تشکیل شد ولی طولی نکشید که بیت‌الله الاعظم که هنوز در دست شیعیان بود (پیام بیت‌العدل اعظم بتاريخ ۱۷ جولای ۲۰۱۳ - به یادداشت شماره ۵۴ رجوع شود) بدست عوامل ناشناس در ماه جون ۲۰۱۳ تخریب شد که فاجعه عظیمی برای حکومت عراق و نشانه‌ای از عدم عدالت برای حکومت کنونی عراق می‌باشد. شرح جزئیات دادخواهی جامعه بهائی و تمام نامه‌هایی که نوشته شده و تصمیماتی که اتخاذ گردیده و دادگاه‌ها و یا تشکیلاتی که با این امر در مدت بس طولانی مواجه بوده‌اند و حکم‌های صادر شده در این مقال نمی‌گنجد و مختصری از آن از کتاب قرن بدیع در یادداشت شماره ۵۳ نقل شده است.

بشارات در پاره کسب عزت مجدد بیت‌الله اعظم

همان طوری که در آثار مقدسه بهائی تطاول و دست‌درازی و بی‌احترامی به بیت مبارک پیش‌بینی شده، بهمین صورت عزت و سربلندی و سرافرازی مجدد بیت‌الله الاعظم نیز پیشگویی شده که برای مسک‌الختم به چند بشارت اشاره خواهد شد.

جمال قدم در لوحی می‌فرماید قوله الاعز: ^{۵۵} «... ثُمَّ تَمَضَى أَيَّامَ يَرْفَعُهُ اللَّهُ بِالْحَقِّ وَ يَجْعَلُهُ عَلَمًا فِي الْمُلْكِ بِحَيْثُ يَطُوفُ فِي حَوْلِهِ مَلَأَ عَارْفُونَ. هَذَا قَوْلُ رَبِّكَ مِنْ قَبْلُ ...» بیان مبارک باین مضمون است که سپس ایامی خواهد گذشت و خداوند آن را (بیت الله الاعظم) به راستی بلند خواهد کرد و آن را مانند پرچمی در زمین قرار خواهد داد به صورتی که در اطرافش گروه عارفان حق طواف خواهند کرد. بگو این گفتار پروردگار تو است از قبل.

همچنین حضرت ولی امر الله می‌فرماید قوله الاعز: ^{۵۶} «... جامعہ و پیروان امر اعزّ اسنی در موطن جمال ابهی و ممالک اسلامیہ و اقطار شرقیہ از قید اسارت و مقهوریت رهایی یابند ... و بیت الله الاعظم و کعبه الامم از چنگ غاصبان و ظالمان مستخلص مرتفع گردد و زیارتگاه عالمیان شود...»

خاتمه

در این مقاله شرح تملک بیت الله الاعظم بغداد از نصوص و آثار مبارکه و کتب تاریخی نقل گردید و معنی لقب "بیت الله" با استفاده از نصوص مبارکه تشریح گردید. شرح گرفتاریها و مشکلات این بیت معظم و اهمیتش بعنوان محل حج و زیارت اهل بهاء بیان شد و نصوص مبارکه در باره پیشگونی بی حرمتی جهلا به این بیت مقدس مورد تدقیق قرار گرفت. اقدامات دشمنان امر برای تصرف این محل و عکس العمل بهائیان دنیا و نتیجه حاصله از آن مورد بررسی قرار گرفت. این بیت که نزدیک یک قرن در دست دشمنان امر بود بالاخره در ماه جون ۲۰۱۳ تخریب گردید.

یادداشت‌ها

(۱) بالیوزی، حسن موقر، بهاء الله شمس حقیقت، ترجمه کتاب Bahá'u'lláh King of Glory، ترجمه از انگلیسی: مینو ثابت، جورج رونالد، اکسفورد، ۱۹۸۹، ص ۱۳۸.

(۲) حضرت ولی امر الله، قرن بدیع، ترجمه نصر الله مودت، چاپ دوم، نشر مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی، دانداس، ۱۹۹۲ میلادی، ص ۲۷۰.

(۳) فیضی، محمد علی، حضرت بهاء الله، مؤسسه ملّی مطبوعات امری، طهران، ۱۲۵ بدیع، صص ۱۱۶. همچنین رجوع کنید به یادداشت شماره ۴.

(۴) مازندرانی، اسدالله فاضل، ظهور الحق، ج ۴، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه ملّی نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، چاپ نخست، لانگنهایم، ۲۰۱۱ میلادی، ص ۱۶۶.

- (۵) فیضی، محمدعلی، حیات حضرت عبدالبهاء، مؤسسه مآلی مطبوعات امری، طهران، ۱۲۵ بدیع، نشر سوم، لانگنه‌این، ۱۵۰ بدیع، صص ۳۳۳ - ۳۳۵.
- (۶) حضرت بهاء‌الله، آثار قلم‌اعلی، ج ۲، مؤسسه مطبوعات معارف کانادا، همیلتون، کانادا، ۲۰۰۲ م، ص ۳۲۰.
- (۷) مازندرانی، اسدالله فاضل، ظهور الحق، ج ۴، ص ۳۰۴.
- (۸) حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، ص ۳۶۰.
- (۹) حضرت بهاء‌الله، آثار قلم‌اعلی، ج ۲، ص ۴.
- (۱۰) اشراق‌خاوری، عبدالحمید، مائده آسمانی، قسمت اول شامل مجلدات ۱، ۴، ۷، ۸؛ مؤسسه چاپ و انتشارات مرات، دهلی نو، ۲۰۰۵ م، ج ۷، ص ۲۴۳؛ به یادداشت‌های ۱۱ و ۱۲ رجوع شود.
- (۱۱) همان، ج ۴، ص ۲۷۹.
- (۱۲) همان، ص ۲۸۱.
- (۱۳) آثار قلم‌اعلی، ج ۲، ص ۳۱۸ - مثنوی مبارک.
- (۱۴) منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، مؤسسه مآلی مطبوعات امری، ۱۳۴ بدیع، ص ۱۴، توقیع محمد شاه. و همچنین رجوع کنید به یادداشت شماره ۱۵.
- (۱۵) افغان، ابوالقاسم، عهد اعلی: زندگانی حضرت باب، وان ورلد، اکسفورد، ص ۳۰۲.
- (۱۶) مازندرانی، اسدالله فاضل، امر و خلق، ج ۲، مؤسسه مآلی مطبوعات امری، طهران، ۱۲۹ بدیع، لجنة نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، لانگنه‌این، ۱۴۱ بدیع، ج ۲، ص ۱۰.
- (۱۷) حضرت بهاء‌الله، مجموعه الواح، مطبعه سعاده، محی‌الدین کردی، قاهره، مصر، ۱۹۲۰ میلادی، صص ۱۸۴ - ۱۸۵.
- (۱۸) حضرت بهاء‌الله، لنالی الحکمة، ج ۳، دارالمنشورات البهائیه فی البرازیل، طبع ثالث، ۱۴۸ بدیع، لوح شماره ۹۳، ص ۱۷۶.
- (۱۹) لنالی الحکمة، ج ۱، دارالمنشورات البهائیه فی البرازیل، طبع ثانی، ۱۵۳ بدیع، لوح شماره ۷، ص ۲۳.
- (۲۰) امر و خلق، ج ۴، ص ۴۲۲. و همچنین نگاه کنید به یادداشت شماره ۲۱.
- (۲۱) مائده آسمانی، ج ۸، ص ۱۳۸.
- (۲۲) لنالی الحکمة، ج ۲، ص ۲۹۲، لوح شماره ۱۳۹.
- (۲۳) امر و خلق، ج ۴، ص ۱۰۹. همچنین نگاه کنید به یادداشت شماره ۲۴.

- (۲۴) حضرت بهاء الله، تسبیح و تهلیل، به اهتمام عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه مل، مطبوعات امری، طهران، ۱۲۹ بدیع، صص ۹۳ - ۱۱۳، لوح حج بیت الله الاکرم در شیراز، و صص ۷۵-۹۰، لوح حج بیت الله الاعظم بغداد.
- (۲۵) ادیب طاهرزاده، نفاتح ظهور حضرت بهاء الله، ج ۱، ترجمه باهر فرقانی، مؤسسه معارف بهائی، دانداس، کانادا، ۱۹۹۸ میلادی، ص ۲۲۹.
- (۲۶) قرن بدیع، ص ۳۵۷.
- (۲۷) اشراق خاوری، عبدالحمید، محاضرات، ج ۱-۲، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه ملی نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، نشر سوم، لانگهیم، ۱۹۹۴ م، ص ۱۲۰.
- (۲۸) محاضرات، ج ۳، صص ۱۵۲ - ۱۷۳.
- (۲۹) حضرت بهاء الله، ادعیه حضرت محبوب، قاهره، مصر، ۱۳۳۹ هـ ش، ص ۹۸.
- (۳۰) آثار قلم اعلی، ج ۱، صص ۱۷۹-۱۸۰، همچنین رجوع کنید به یادداشت های ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ۳۴.
- (۳۱) تسبیح و تهلیل، صص ۹۰ - ۹۳.
- (۳۲) امر و خلق، ج ۴، ص ۱۱۷.
- (۳۳) ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۰۰.
- (۳۴) حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، لانگنهاین، نشر اول، ۱۴۱ بدیع، ص ۷۹.
- (۳۵) حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، مرکز جهانی بهائی، حیفاء، ۱۹۹۵ م، صص ۲۷-۲۸، بند ۳۲. همچنین به رساله سوال و جواب، فقرات ۲۵ و ۲۹ رجوع شود.
- (۳۶) قرن بدیع، ص ۲۳۴.
- (۳۷) حضرت بهاء الله، مجموعه الواح چاپ مصر، صص ۱۳۵ - ۱۳۷.
- (۳۸) مازندرانی، اسدالله فاضل، اسرار الآثار، ج ۲، مؤسسه ملی مطبوعات امری، طهران، ۱۲۹ بدیع، ص ۱۰۹. همچنین رجوع کنید به یادداشت شماره ۳۹.
- (۳۹) امر و خلق، ج ۴، صص ۱۱۱ - ۱۱۲.
- (۴۰) امر و خلق، ج ۴، ص ۱۱۳، لوح حج بغداد.
- (۴۱) آثار قلم اعلی، ج ۱، صص ۱۷۹-۱۸۰، لوح شماره ۱۹.
- (۴۲) حضرت بهاء الله، اقتدارات، خط مشکین قلم، بدون محل طبع، ۱۳۱۰ هـ ق، ص ۳۲۲.
- (۴۳) امر و خلق، ج ۴، ص ۱۱۹. همچنین رجوع کنید به یادداشت شماره ۴۴.
- (۴۴) تسبیح و تهلیل، ص ۹۲.

- (۴۵) امر و خلق، ج ۴، ص ۴۲۷. همچنین رجوع کنید به یادداشت شماره ۴۶.
- (۴۶) آثار قلم‌اعلیٰ، ج ۱، صص ۱۶۴ - ۱۶۶، لوح شماره ۱۴.
- (۴۷) مائده آسمانی، ج ۵، ص ۹۳.
- (۴۸) مائده آسمانی، ج ۵، ص ۹۵.
- (۴۹) حیات حضرت عبدالبهاء، صص ۳۳۱-۳۳۵.
- (۵۰) عالم بهائی، مجلد ۳، The Bahá'í World, Vol. III، ص ۲۰۳.
- (۵۱) عالم بهائی، مجلد ۵، The Bahá'í World, Vol. V، ص ۱۳۶.
- (۵۲) عالم بهائی، مجلد ۶، The Bahá'í World, Vol. VI، ص ۴۳۷.
- (۵۳) ارنولد توین بی : Survey of International Affairs - 1934
Arnold Toynbee, Survey of International Affairs -
assisted by V.M. Boulter, Oxford University Press,
London.
- در این کتاب به بند ۷۵ از اساسنامه حکومت عراق، نوشته شده به سال ۱۹۲۴، رجوع شود.
- در کتاب The Bahá'í World, Vol. II - عالم بهائی جلد ۲، اطلاعات مفیدی در خصوص فعالیت‌ها و عکس‌العمل جامعه بهائی در خصوص بیت‌الله الاعظم وارد شده:
- صفحات ۳۳ - ۳۴ عرض حال محافل محلی و ملی امریکا به ملک فیصل،
- صفحه ۶۸ عکس جناب محمود قصابچی که قسمت عمده مخارج تعمیرات و بازسازی بیت‌الله الاعظم را عهده دار شد.
- در کتاب The Bahá'í World, Vol. III - عالم بهائی جلد ۳:
- شرح دادخواهی بهائیان عراق به ملک فیصل با قید جزئیات صص ۱۹۸ - ۲۰۰؛
- شرح ملاقات میس مارثا روت و ملک فیصل که مطلب بیت‌الله الاعظم یکی از عنوان‌های صحبت بوده است؛
- همچنین عکس حیات بیت‌الله الاعظم قبل از تعمیر و در حال تعمیر در ص ۲۰۳؛
- عکس شیخ محمد دمرچی را در صفحه ۲۱۴ میتوان ملاحظه نمود.
- توقیع حضرت ولی امرالله را میتوان در صص ۱۷۵-۱۸۰ در کتاب "Bahá'í Administration" که در آن درباره وضع نابسامانی حکومت عراق و بیت‌الله الاعظم توضیحاتی بیان می‌فرماید مورد دقت قرار داد.

حضرت ولی امرالله در کتاب‌قرن‌بدیع (صص ۷۱۷ - ۷۱۸) در این مورد نیز چنین می‌فرماید قوله الاعز:

«در عراق نیز حزب شیعه دست تطاول به بیت اعظم الهی گشودند و آن مقام اطهر را که محلّ اقامت هیکل قدم و زیارتگاه اهل بهاء و از ایام نفی بغداد تا آن تاریخ مستمرّاً و متتابعاً در تملک پیروان امرالله بود جائزانه تصرف نمودند و انقلاب و هیجانی برپا کردند که آثارش از وقایع ارض اقدس شدیدتر و انعکاساتش وسیع‌تر و عظیم‌تر بود. این انقلاب و هیجان که از یک سنه قبل از صعود مرکز میثاق آغاز و در اثر صدور دستور مبارک در تعمیر و ترمیم بیت اعظم پس از تغییر رژیم عراق تشدید گردیده بود بتدریج قوّت یافت و آوازش بلند گردید
«...»

و همچنین حضرت ولی امرالله در کتاب‌قرن‌بدیع، صفحات ۷۱۹ الی ۷۲۴ می‌فرماید قوله الاعز:

«چون محفل روحانی بهائیان بغداد خود را از استفاده بیت محروم مشاهده نمود و از تعقیب اقدامات و مذاکرات سه ساله خویش با اولیای امور محلّ برای احقاق حقّ و منع تجاوز غاصبین نا امید و مأیوس گردید در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۷ توسط کمیسر عالی عراق و بااستناد ماده ۲۲ از اساسنامه جامعه ملل عرض حالی از طرف بهائیان آن سامان بکمیسیون دائمی قیمومت جامعه که عهده دار نظارت و سرپرستی ممالک تحت قیمومت بود تسلیم نمود. عرض حال مذکور در ماه نوامبر ۱۹۲۸ مورد قبول و تصویب کمیسیون واقع و برای رسیدگی و اظهار نظر به سرپرستی عراق یعنی حکومت انگلستان ارجاع گردید و حکومت مزبور پس از مطالعه و دقّت کامل یادداشتی خطاب به کمیسیون صادر و بکمال صراحت و وضوح اعلام نمود که شیعیان را نسبت به بیت مورد بحث "هیچگونه حقّ شرعی و دعوی قانونی متصوّر نیست" و تصمیم قاضی محکمه جعفریه بتمامه "عاری از صواب" و "بر خلاف حقّ و عدالت" است و صدور حکم بلاتردید "منبعث از تعصبات مذهبی" و خلع ید بهائیان امری "غیر قانونی" و اقدام اولیای امور عراق "بکلی مباین اصول" است و میتوان گفت که حکم محکمه علیا بظنّ غالب خالی از "ملاحظات خصوصی و مآرب سیاسی" صادر نگردیده. پس از وصول یادداشت فوق الذکر موضوع در کمیسیون قیمومت مطرح و از طرف آن هیأت گزارشی که متن آن در خلاصه مذاکرات چهاردهمین جلسه کمیسیون منعقد در ژنو در پائیز سال ۱۹۲۸ مندرج است بشورای جامعه صادر گردید. در گزارش مذکور که بعداً بزبان عربی ترجمه و در جرائد عراق انتشار

یافت این عبارت مدّون و مسطور "کمیسیون تّوجه شوری را به تظلم بهائیان و نتیجه تحقیقات و نظراتی که در این باره معمول و بکمیسیون پیشنهاد شده جلب مینماید ... و توصیه میکند که از حکومت انگلستان تقاضا شود تعلیمات اکیده بحکومت عراق صادر و نسبت بحفظ حقوق مسلوبه متظلمین و دفع تعدّی غاصبین اقدام سریع و عاجل مبذول دارد". از طرف دیگر نماینده رسمی حکومت بریتانیا در یکی از جلسات کمیسیون قیومت اظهار داشت که "سرپرستی عراق اعتراف میکند که بهائیان مورد ظلم و اجحاف واقع شده اند" و طی همان جلسه تأیید شد که اقدام شیعیان در تصرف بیت فی الحقیقه مغایر اصول و ناقض قانون اساسی عراق محسوب میگردد. نماینده فنلاند نیز در راپورت تقدیمی خود به شوری تصریح نمود که "این عدم عدالت صرفاً از تعصبات و احساسات مذهبی مردم عراق سرچشمه می گیرد" و درخواست کرد "تعدّی و اجحافی که نسبت به عرضحال دهندگان مجری شده جبران گردد". شورای جامعه نیز بنوبه خود پس از وصول گزارش کمیسیون و تّوجه باظهارات و نظرات آن هیأت در تاریخ چهارم مارس ۱۹۲۹ باثفاق آراء قراری را که بعداً متن آن ترجمه و در جرائد بغداد درج گردید صادر و از دولت انگلستان تقاضا نمود که "جهت حفظ حقوق بهائیان و جبران فوری بیعدالتی های حاصله تعلیمات لازمه بحکومت عراق صادر نماید" ضمناً به دبیر کلّ جامعه دستور داده شد قرار مذکور و تصمیم متّخذه کمیسیون قیومت را باستحضار سرپرستی عراق و همچنین نمایندگان جامعه بهائی برساند و در اجراء این دستور دولت انگلستان بوسیله کمیسر عالی خود در عراق مراتب را بحکومت آن ارض ابلاغ نماید. در نامه ای که در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۳۱ از طرف وزیر امور خارجه انگلستان مستر آرتور هندرسن خطاب به دبیرخانه جامعه ملل مرقوم گردیده قید شده است که رأی صادره از طرف شوری "مورد تّوجه کامل حکومت عراق" واقع و تصمیم حکومت اخیر بر آنست که "کمیته ای مخصوص تعیین گردد تا نظریات جامعه بهائی را نسبت به بعضی از بیوت بغداد مورد مطالعه قرار داده راه حلّ عادلانه ای برای تصفیة این موضوع پیشنهاد نماید" و نیز در همان نامه اشاره شده که کمیته راپرت اقدامات خود را در تاریخ اوت ۱۹۳۰ تقدیم و حکومت عراق با آن موافقت نموده و جامعه بهائی نیز پیشنهادات مربوطه را "علی الاصول پذیرفته است." و در نتیجه اولیاء بغداد دستور داده اند "نقشه‌ها و برآوردهای تفصیلی با تّوجه باینکه قرارهای مورد نظر در سال مالی بعد بمرحله اجرا گذارده شود تهیه گردد". بنظر میرسد تفصیل حوادث بعدی و عواقب مترتبه بر مرگ نابهنگام کمیسر عالی انگلیس و همچنین

نخست وزیر عراق و دخول کشور اخیر در جامعه ملل و اختتام قیمومت بریطانیای کبیر نسبت بکشور مذکور و درگذشت تأسف آمیز و غیرمنتظره شخص پادشاه و تزیید موانع در اثر وجود نقشه اصلاحات شهری و تضمین صریح و قاطع نائب نخست وزیر در مکتوب مورخ اول ژانویه ۱۹۳۲ خود بکمیسر عالی عراق و تعهد پادشاه در تاریخ ۱۹۳۳ بفاصله قلیل قبل از خاتمه حیاتش در حضور وزیر خارجه مبنی بر استخلاص بیت و تخصیص اعتبار لازم در بهار سال بعد و همچنین بیان مؤکد وزیر مذکور راجع به قول صریح رئیس الوزراء وقت در اجراء و عده نائب نخست وزیر و اظهارات وزیر امور خارجه و وزیر مالیة عراق، نمایندگان آن دولت در جلسات منعقدہ در ژنو و اطمینان قطعی ایشان باینکه نظر و تصمیم پادشاه فقید نسبت باعاده بیت کاملاً مرعی خواهد گردید مورد احتیاج نخواهد بود.»

(۵۴) نامه بیت العدل اعظم راجع به تخریب بنای بیت الله الاعظم بغداد به تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۳ در تارنمای ذیل: <http://www.bahai.org/library/authoritative-texts/the-universal-house-of-justice/messages/>

(۵۵) آثار قلم اعلیٰ، ج ۱، ص ۱۶۶، لوح شماره ۱۴.

(۵۶) حضرت ولی امرالله، توقیعات مبارکه: ۱۹۴۵ - ۱۹۵۲، مؤسسه ملی مطبوعات امری، طهران، ۱۲۵ بدیع، صص ۱۸۵ - ۱۸۶.